

بررسی ابعاد و اهداف هجمه‌های حقوق‌های بشر علیه جمهوری اسلامی



بررسی ابعاد و اهداف هجمه‌های حقوق‌های بشر علیه جمهوری اسلامی در گفت‌وگو با حسام‌الدین برومند

پدافند و آفند حقوق بشری ما باید فعال شود

گفت‌وگو

تدوین و تنظیم: سحر سماوات
روزنامه نگار

پدیده ترور در ایران اگرچه از همان دهه‌های ابتدایی انقلاب پررنگ بود، اما پس از آن و در سال‌های اخیر نیز کاملاً از بین نرفته است. در حقیقت در دهه اخیر گروه‌های دیگری همچون جیش‌العدل، انجمن پادشاهی ایران و پژاک نیز سر برآوردند که به بهانه‌های قومیتی و با پیوستن به قدرت‌های خارجی دست به اسلحه بردند و جریان تروریسم را استمرار بخشیدند. همین‌ها هم البته سبب شده که ما نه تنها بزرگترین قربانی تروریسم باقی‌مانیم بلکه میزان فاصله ما با سایر کشورها در این موضوع نیز بسیار معنادار است؛ آمار قربانیان ما بیش از ۱۷ هزار نفر شهید قربانی تروریسم را حکایت می‌کند، در حالی که آمار کشتار گروه‌های جدایی طلب در اسپانیا طی بیش از ۴۰ سال فعالیت کمتر از ۸۰۰ نفر برآورد شده است.

یکی از پازل‌ها و اهرم‌های فشار بر جمهوری اسلامی ایران بحث‌های حقوقی است که یکی از اضلاع فتنه پیچیده و چندوجهی اخیر بود. در این مدت تلاش زیادی کردند تا بیشتر از نظر حقوق بشر برای ایران پرونده درست کرده و فشار ایجاد کنند که البته همزمان رسوایی‌های زیادی داشتند. به همین مناسبت حسام‌الدین برومند، پژوهشگر حوزه حقوق بشر در برنامه جهان‌آرا حضور یافته و در این باره توضیحات روشنگرانه‌ای را ارائه داد؛ خلاصه‌ای از این مطالب را در این صفحه می‌خوانید.

دیگری نداشتند، اما فروردین سال ۹۰ شورای حقوق بشر اقدام عجیبی انجام داد و قطعنامه‌ای تصویب کرد که بر پایه آن مقرر شد گزارشگر ویژه حقوق بشر برای ایران تعیین کنند؛ این در حالی بود که ما قبلاً با آنها تعامل داشتیم و به شبهات‌شان جواب دادیم و گزارش‌شان هم با اجماع به تصویب رسیده بود. از سال ۹۰ اتفاقات مهمی افتاد؛ در خرداد ماه این‌سال برخلاف موازین حقوقی، آقای احمد شهباشد به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر برای ما تعیین کردند. احمد شهید پنج سال و نیم گزارشگر ویژه بود و بعد از ایشان عاصمه جهانگیر بود که فوت کرد و پس از وی و در حال حاضر آقای جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر است. ما تعیین کرده و تمام مراحل قطعنامه‌هایی که گزارشگر ویژه برای ما تعیین کرده و تمام مراحل روند‌های مرتبط با آن با کارگردانی مستقیم امریکا پیش رفت. یعنی در همان جلسه‌های رای گیری که می‌خواستند قطعنامه را تصویب کنند، کارگردان ماجرا امریکا بوده است. متأسفانه هم آقای احمد شهید، هم خانم جهانگیر و اکنون آقای جاوید رحمان هم در راستای همان پازل حقوق بشری که قرار است یک اهرم فشار علیه ایران باشد، حرکت کرده‌اند. یعنی در گزارش‌های آنها ابتداییات و بدیهیات هم رعایت نشده است. نقد‌های زیادی می‌توان به این گزارش‌ها وارد کرد؛ یکی از این نقد‌ها آن است که بالاخره یک کشور اسلامی هستیم و طبق یک قانون نانوشته، گزارشگر برای چنین کشوری باید مسلمان باشد. هر سه نفری که نام آنها برده شد، مسلمان بودند اما جالب اینجاست

تورویستی که روزنامه نگار شد!

جمشید شاره‌مد سرکرده یکی از تندروترین گروه‌های تروریستی بود که در سال ۸۲ تأسیس شد. در آن زمان اسم این گروه با عنوان انجمن پادشاهی ایران یا گروه انجمن سلطنتی ایران مطرح بود و در واقع از همان موقع مشخصاً علیه ایران اقداماتی داشتند، اما سه چهار سال بعد از این ماجرا، مشخصاً گروه انجمن پادشاهی ایران موسوم به تندر به فاز مسلحانه ورود پیدا کرد.



بررسی ابعاد و اهداف هجمه‌های حقوق‌های بشر علیه جمهوری اسلامی

در گفت‌وگو با حسام‌الدین برومند

پدافند و آفند حقوق بشری ما باید فعال شود

ک اولین اتهام حقوق بشری که به ما وارد شده، به این خاطر است که ما بر اساس قوانین صریح اسلام بشر تغییر رویکرد بدیمیم! هم حقوق بشر شناخته شده‌ایم! احمد شهید در اولین گزارش خودش یکی از موارد جدی که ما را به نقض حقوق بشر متهم کرده، موضوع قانون ارتب بوده است؛ یعنی چون جمهوری اسلامی قانون ارتب اسلام را در کشور اجرا کرده و ارتب مرد دو برابر زن بوده، حقوق بشر را نقض کرده است! حداقل این افراد که مسلمان بودند، نباید در بازی امریکا وارد می‌شدند که متأسفانه شدند

انتخاب گزارشگران بیشتر بر مبنای انگیزه‌های سیاسی شکل گرفت، هر دروغی که در رسانه‌های بیگانه علیه ایران منتشر می‌شد، در گزارش‌های احمد شهید آمده است!

من به عنوان یک پژوهشگر سؤال می‌کنم: واقعاً چرا قبل از اینکه گزارش شورای حقوق بشر به عنوان یک نهاد بین‌المللی به طور رسمی منتشر شود، یک روز قبلاً توسط بی‌بی‌سی منتشر شده است؟ آیا چنین اتفاقی معنایی غیر از این دارد که گزارشگران حقوق بشر با رسانه‌های معاند علیه جمهوری اسلامی، همکاری مستقیم دارند؟ همین الان شما نگاه کنید آقای جاوید رحمان در آشوب‌های اخیر با ایران اینترنشنال که یک گروه است؛ هم در سال ۹۶، هم در سال ۹۸ و در فتنه اخیر هم موضوعات حقوق بشری را علیه ما مطرح کرده‌اند. اولین کارشان این بود که از آشوب و اغتشاش حمایت می‌کردند و می‌خواستند به آن مشروعیت بدهند و تصویري بی‌بی‌سی منتشر شده است؟ آیا چنین اتفاقی معنایی غیر از این دارد که گزارشگران حقوق بشر با رسانه‌های معاند علیه جمهوری اسلامی، همکاری مستقیم دارند؟ همین الان شما نگاه کنید آقای جاوید رحمان در آشوب‌های اخیر با ایران اینترنشنال که یک گروه است؛ هم در سال ۹۶، هم در سال ۹۸ و در فتنه اخیر هم موضوعات حقوق بشری را علیه ما مطرح کرده‌اند. اولین کارشان این بود که از آشوب و اغتشاش حمایت می‌کردند و می‌خواستند به آن مشروعیت بدهند و تصویري بی‌بی‌سی منتشر شده است؟ آیا چنین اتفاقی معنایی غیر از این دارد که گزارشگران حقوق بشر با رسانه‌های معاند علیه جمهوری اسلامی، همکاری مستقیم دارند؟

بزنگاه دوم در مسأله هسته‌ای است؛ از مذاکرات هسته‌ای هم همیشه به عنوان یک رویه ثابت از حقوق بشر به عنوان اهرم فشار علیه ما استفاده کرده‌اند. هر زمان که مذاکره می‌خواست به جای برسد یا ما در اتاق مذاکره بودیم، بزنگاه‌های حقوق بشری علیه ما بسیار فعال شدند هم به خاطر

درباره جمشید شاره‌مد سرکرده گروهک تروریستی تندر که اخیراً حکم اعدام او از سوی قوه قضاییه



کنند. در دادگاهه اخیری که آقای شاره‌مد داشت، از ایشان سؤال شد که انفجار حسینیه را برای چه انجام دادید؟ ایشان پاسخ می‌دهد که به خاطر اینکه بسیجی‌ها و سپاهیان در آنجا تردد داشتند. حالا سؤال من این است واقعاً کودک پنج ساله که در آنجا حضور داشته و به شهادت رسیده، چه گناهی داشته است؟ شاره‌مد و گروهش کسانی هستند که بدون نقاب و در کمال وقاحت به آدمکشی اعتراف می‌کنند. آقای شاره‌مد در ۱۵سال اخیر، هم با «اف‌بی‌آی» و هم با «سی‌آی‌آی» ارتباط داشته که اسناد همه این همکاری‌ها موجود است. و خودش هم به این همکاری‌ها اعتراف کرده است.

جالب اینجاست که از سال ۹۹ که ایشان برای اولین بار دستگیر می‌شود، پروژه تطهیر یک تروریست شناسنامه‌دار مثل آقای جمشید شاره‌مد در دستور کار رسانه‌های بیگانه قرار می‌گیرد و از آن زمان سعی می‌کنند که جا بیندازند ایشان مثلاً روزنامه‌نگار بوده است. مجری برنامه: منطق‌های عجیب و غریبی هم به هم می‌یافند که مثلاً ایشان چون روزنامه نگار بوده نمی‌توانند تروریست باشند! مشخص نیست که چطور این نتیجه را می‌گیرند که فلانی به خاطر شغفش نمی‌تواند مرتکب جرمی شده باشد!

پروژه تطهیر شاره‌مد در رسانه‌ها چه ابعدای دارد؟

پروژه تطهیر آقای شاره‌مد، پروژه عجیبی است؛ یعنی تطهیر کسی که با این وقاحت اقدامات تروریستی انجام داده و گروه را هدایت کرده و لیدری ماجرا را برعهده داشته است. بی‌بی‌سی با دختر او مصاحبه می‌کند و دخترش می‌گوید که پدر من انسان خیلی مهربانی است و حتی آزارش به مورچه هم نمی‌رسد! بله ایشان شاید مورچه نکشند! باشد، ولی آدم کشته است! یعنی وقاحت رسانه‌ای به درجه‌ای رسیده که آدمی را که تروریست بوده، می‌خواهند تطهیر کنند!

ارتباطاتی که شاره‌مد با برلین هوک داشته وجه دیگری از جریم او را نشان می‌دهد. برلین هوک در دوره‌ای مسئول گروه اقدام علیه ایران بوده و در دوره ترامپ، فرمان حقوق بشری ایالات متحده علیه ایران به دست ایشان بوده است. آنها بودند که شاره‌مد را هدایت می‌کردند؛ اقدامات تروریستی که وی را نشان داد به وجهش در واقع در پشت صحنه ماجراست که با کارگردانی امریکا اتفاق افتاده است. یعنی دولت امریکا به این وضع از تروریست و اقدامات تروریستی اش حمایت می‌کند. بعد، همان آقای جاوید رحمان هوک هم رئیس حقوق بشری می‌گیرد و بدون اینکه اتفاق افتاده باشد، در همان ایام خودش پروژه فشار حقوق بشری علیه ایران داشته و مجموعه مکاتباتی را که با ترامپ و سیا داشته نمی‌توان انکار کرد.

همه این جنجال‌ها در واقع این مجموعه اقدامات سیستماتیک تروریست که همین حقوق بشری انجام دادند و می‌دهند و ایشان قطعاً روزنامه‌نگار نیست. اما محاسبه‌شان غلط نبود؛ هیچ وقت فکر نمی‌کردند دستگاه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی اقتدر قوی باشند که بتوانند نقشه‌های آنها را بخوانند. دستگیری شاره‌مد، قدرتمندی نهادهای اطلاعاتی ایران را می‌رساند.

در رابطه با شاره‌مد دو نکته قابل توجه است: نکته اول درباره حمایت کشورهای اروپایی از او است؛ باید دید که آقای شاره‌مد بودجه اقداماتش را از کجا تأمین کرده و در چه کشورهایی تردد داشته است. کشورهای اروپایی باید هزینه حمایتشان را بدهند، نمی‌شود که آنها داخل خاک ایران اقدام تروریستی انجام دهند و بی‌گناه‌ترین افراد را به شهادت برسانند و هزینه‌ای هم بابتش نپردازند. ما باید این ضرورت را باور کنیم که امروز ما در یک جنگ تمام عیار حقوق بشری به سر می‌بریم. اما انگار به اندازه‌هیمیته که داره، نکته دوم مربوط می‌شود.

نکته دوم این است که نهادهای مرتبط با این موضوع به نوعی در انفعال قرار دارند؛ وزارت امور خارجه، ستاد حقوق بشر قوه قضاییه، معاونت حقوق بشر وزارت دادگستری و سایر نهادهای مرتبط در دستگاه‌های مختلف که

سازگار حقوق بشری دارند، باید با انسجام بیشتر و برنامه قوی‌تر نسبت به هجمه‌ها واکنش نشان دهند؛ یکی از علت‌های مهم ضعف ما هم همین منفعل بودن نهادهاست. از یک طرف ما از نظر ساختاری حالت جزیره‌ای داریم و تمرکز صی صورت نمی‌گیرد و هر نهاد برحسب تشخیص وظیفه، کار خودش را می‌کند. از نظر کارگزاری هم متقدم که خیلی جاها بهتر می‌توانستیم عمل کنیم؛ برای مثال، باید به همین انواع و اقسام اتهاماتی که گزارشگران ویژه به ما می‌زند، پاسخ‌های روشن و صریح داد و نسبت به آن بی‌تفاوت نبود. وزارت امور خارجه، ستاد حقوق بشر وزارت دادگستری علاوه بر اینکه باید با هم هماهنگ باشند، باید پیوست رسانه‌ای بسیار قدرتمندی نیز برای مقابله با این جریانات داشته باشند. از ظرفیت‌های بین‌المللی هم حتماً باید استفاده کنیم؛ در خیلی موارد ما باید طرح شکایت کنیم ولو اینکه بدانیم آن نهاد بشری بین‌المللی تحت نفوذ و سیطره امریکا است و احتمال لابی، نفوذ و این مسائل وجود دارد. نمایندگان مجلس ما در خیلی از این موارد کار مؤثری انجام نمی‌دهند؛ تنها یک مصاحبه ناگهانی انجام می‌دهند و یک بیانیه می‌خوانند، بدون اینکه ابتکار عملی داشته باشند.

استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی حقوق بشر

ما قطعاً باید یک سازگار پدافند و حقوق بشری داشته باشیم که هر روز به روزرسانی شود و در برابر جنجال‌ها و هجمه‌ها محکم واکنش نشان دهد. در همین آشوب‌های اخیر، نخست‌وزیر کانادا گفت که ۱۵ هزار نفر را اعدام کرده است؛ یعنی یک نخست‌وزیر عجلن در همین سطح است که چنین ادعای مضحکی را مطرح کند! اما ما علیه همین صحبت‌های مضحک هم اقدامی نکردیم و چیزی نگفتیم، در صورتی که می‌بایست طرح شکایت می‌کردیم. ما در برابر اقداماتی که اروپایی‌ها نظیر فرانسه، آلمان و انگلیس در این چند ماه اخیر کردند، چه اقدام متقابلی انجام داده‌ایم؟ انواع و اقسام اتهامات را به ما وارد کردند، اما هیچ واکنش جدی نداشتیم! باید از این پوسته انفعال خارج شویم.

باید از یک سری ظرفیت‌های بین‌المللی مثل جنبش عدم تعهد استفاده کنیم و به سمت شکل گیری سازمان‌های حقوق بشری در میان ملت‌های مستقل آزادی‌خواه برویم. اگر سال‌ها قبل به این ماجرا فکر کرده بودیم، امروز می‌توانستیم به سمت این سازمان‌ها حرکت کنیم؛ اینکه مثلاً ما از داخل کشور تنها چیزی که محکوم کنیم کافی نیست. صدای خود را باید به شورای حقوق بشر برسانیم و از آن استفاده کنیم. در شورای حقوق بشر قطعاً باید طرح دعوی شکایت کنیم.

در همین اتفاقات اخیر، ما با چرخه‌ای مواجه هستیم که هدفش این است تجزیه ایران است. در همین نشست‌های اپوزیسیون به کرات و صریحاً گفتند که به دنبال براندازی و تجزیه هستند. لازمه براندازی آن است که امنیت ایران را نشانه بزنند، پس باید آشوب ایجاد کنند. روی دیگر این قضیه ادامه تحریم‌ها و صدور قطعنامه‌های حقوق بشری علیه ایران است. به صراحت با لوگوی تجزیه طلبی، موضوع حقوق بشر را علیه ما مطرح می‌کنند و چهره‌های به اصطلاح حقوق بشری مثل شریین عبادی و نازنین بنیادی را در رسانه‌ها بزرگ می‌کنند. جاوید رحمان که خودش گزارشگر حقوق بشر است، اولین موضع‌گیری‌اش در آشوب‌ها محکوم کردن حجاب در ایران است! یعنی گزارشگر حقوق بشری که خودش باید مسلمان باشد، حجاب را محکوم می‌کند! بعد هم با رسانه تروریستی ایران اینترنشنال مصاحبه اختصاصی می‌کند. اما جالب است که همین آقای رحمان در همان زمانی که حادثه تروریستی شاهچراغ به وقوع پیوست، با وجود برگزاری کنفرانس خبری، هیچ اشاره‌ای به آن نکرده و آن را به راحتی سانسور می‌کند. قطعاً در موضوع اقدامات متقابل در قبال هجمه‌های حقوق بشری باید بازنگری کنیم. جریان دانشگاهی، رسانه‌ها، اندیشمندان و فعالان خوش ذوق ما باید به این ماجرا ورود کنند. نباید ما، هم شهید بودیم و هم مورد اتهام واقع شویم.

ما در برابر اقداماتی که اروپایی‌ها نظیر فرانسه، آلمان و انگلیس در این چند ماه اخیر کردند، چه اقدام متقابلی انجام داده‌ایم؟

انواع و اقسام اتهامات را

به ما وارد کردند، اما هیچ واکنش جدی نداشتیم!

باید از این پوسته انفعال خارج شویم